۶۶۵۰ سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲ ■ ۲۱ جمادی الاول ۱۴۴۵

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

جام جم

ویژه فرهنگ، هنر و رسانه



آسیب‌شناسی غفلت از اهداف کلان کشور در سینما

سینمای استراتژیک بدون نقشه راه

صفحه ۸ و ۹



محسن برمهانی، معاون سیما:

رسانه ملی از برندهایش صرف نظر نمی‌کند

۶



نگاهی به «سرهنگ ثریا» اولین فیلم بلند لیلی عاج

نبرد جهل ایدئولوژیک و مادرانگی

۱۰



گفت‌وگوی «جام جم» با محمدرضا چراغعلی، آهنگساز باسابقه

جایگاه موسیقی حرفه‌ای مبهم و نامعلوم!

۱۱

نگاه

ای فخر مردمان عرب

امشب از بی‌قراری برای مردم یمن خوابم نمی‌برد. نمی‌دانم که این مردم چه مهری با خاندان رسول ا... دارند که این‌گونه مهرشان در دل ما افتاده، حال این‌که فرسنگ فرسنگ از ما دورند و هرگز آنها را ندیده‌ایم. گرچه مدت‌ها بود ترک قلم کرده بودم اما در این بامداد گویی دستم را کسی دیگر به حرکت درمی‌آورد؛ این چند بیت از پیش نیندیشیده را از غزلی کوتاه برای‌تان به یادگار می‌گذارم:

ای قاصد روان شده از خطه‌ی یمن
آورده زیر پرچم خود مشکی از خُتن
ای آتش تو لرزه بر اندام جنیان
وی دشمنت گریخته از ترس سوختن
تیری که از کمان شما سوی خصم رفت
پیک امید بود سوی قبله‌ی وطن
ای در میان عالم سَیاسیون کَتوم
هرگز ندیده از تو کسی بی عمل، سُخَن
آباد باد ملک شما در خم علی (ع)
ای مردمان آب و گِل و سیب و نَسترن
پاینده باد نسل شما روزگار غم
ای فخر مردمان عرب؛ مردم قرن

الف - میم - ب
بامداد دوشنبه ۱۳ آذر
۲۰ جمادی الاولی ۱۴۴۵
تهران



زاویه دید

سعید مستغاثی | گروه فرهنگ و هنر

بخش نوزدهم

روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

ایستاده در مقابل قراردادهای استعماری



در دورانی که هنوز استعمار موفق به برپایی یک رژیم دست‌نشانده در ایران نشده بود، به‌وسیله عوامل فراماسون خود و با سوءاستفاده از بی‌لیاقتی و ناکارآمدی شاهان و سلاطین، سعی می‌کرد از طریق انعقاد قراردادهای تحمیلی و یکطرفه، منابع و مخازن و ثروت‌های مادی و معنوی سرزمین ما را به ثمن بخس از آن خود کرده و تحت عنوان امتیازات مختلف به غارت حرث و نسل این کشور بپردازد. ده‌ها قرارداد ننگین و وطن‌فروشانه به‌خصوص در دوران قاجار و پیش از آن، ثمره همین سیاست استعماری بود که بسیاری از منابع ایران را در اختیار خارجی‌ها قرار داد تا برای سال‌ها منافع آن را به جیب خود سرازیر کنند و در مقابل رشوه‌ای هم به شاه و عوامل خود بدهند.

از جمله ننگین‌ترین این قراردادها باید به قرارداد رویتر اشاره کرد که در سال ۱۲۹۰ هجری قمری، وقتی ناصرالدین شاه قاجار برای نخستین‌بار به اروپا سفر کرده بود، به تشویق صدراعظمش، میرزا حسین‌خان سپهسالار و معاونت وزیر خارجه وقت میرزا ملکم‌خان با بارون ژولیوس دو رویتر یهودی بسته شد و موضوع آن ایجاد راه‌آهن از خلیج‌فارس تا دریای خزر بود اما طی این قرارداد، ایران متعهد شد که تمامی اراضی مورد نیاز، مصالح مورد نیاز، انحصار بهره‌برداری از معادن زغال‌سنگ، آهن، مس، سرب، نفت و جنگل‌ها و آب‌های ایران را به رویتر واگذار کند.

همچنین اجاره گمرکات ایران به مدت ۲۵ سال و امتیاز بانک و مؤسسات اعتباری نیز به آن اضافه شد به علاوه امتیاز توزیع گاز، زیباسازی شهر تهران، ایجاد راه‌ها، تلگرافخانه‌ها و ... ده‌ها امتیاز دیگر به رویتر واگذار شد![1]

در همان زمان بسیاری از کارشناسان و دیپلمات‌های خارجی در شگفت بودند که چگونه ممکن است یک پادشاه این‌گونه اختیار کشورش را در مقابل هیچ به یک بیگانه واگذار کند.

لرد کرزن (صدراعظم آینده انگلیس) در کتاب خود به نام «ایران و مسأله ایران» نوشت:«... وقتی امتیاز رویتر منتشر گشت مندرجات آن حاکی از تسلیم کامل و خارق‌العاده کلیه منابع صنعتی کشور به بیگانگان بود و این کاری بود که هیچ‌گاه در تاریخ سابقه نداشته و حتی شاید خواب آن را هم کسی نمی‌دیده است...»[2]

هنری راولینسون، سرگرد انگلیسی و از شرق‌شناسانی که ترجمه برخی زبان‌ها و خطوط باستانی را منتسب به وی می‌دانند، در کتاب «انگلیس و روسیه در شرق» نوشت:«... این امتیاز که آن را بزرگ‌ترین خیانت میرزا حسین‌خان سپهسالار نخست‌وزیر ناصرالدین‌شاه می‌دانند، همه زندگی اقتصادی و سیاسی ایرانیان را برای مدت هفتاد سال در اختیار دولت انگیس قرار داد...»[3]

سر دنیس رایت، نخستین سفیر انگلیس در ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد نیز در کتاب خود به نام «انگلیسیان در ایران» می‌نویسد: «...افشای مفاد امتیازنامه (رویتر) اروپا را تکان داد. تی یر، سیاستمدار فرانسوی اظهار کرد برای شاه جز هوا چیزی باقی نگذاشته‌اند...!!»[4]

و نکته جالب این‌که باعث و بانی تهیه و امضای این قرارداد ننگین (که آن را در مقابل ۱۰۰ هزار لیره باج به شاه ایران تحمیل کردند)، دو نفر از شبه‌روشنفکران تاریخ معاصر ایران بودند که همین امروز نیز مورد تقدیس و تجلیل شبه‌روشنفکران نوکیسه هستند!!

اول؛ میرزاحسین‌خان سپهسالار (که به کمک مانکجی هاتریا از فراماسون‌های نشاندار انگلیسی، اولین دولت فراماسون را در ایران تشکیل داد) که دوران صدارتش توسط فریدون آدمیت (یکی دیگر از نویسندگان مورد وثوق جریان شبه‌روشنفکری)، حکومت قانون و ترقی خوانده شد!! و بارها و بارها در نشریات این جریان مورد تحسین و تجلیل قرار گرفته.

و دوم؛ میرزا ملکم‌خان که در اغلب نشریات به اصطلاح روشنفکری و اصلاح‌طلب، پدر جریان اصلاح‌طلبی لقب داده شده و بارها و بارها به مناسبت‌های مختلف در این نشریات مورد تقدیر و ستایش



قرار گرفته است. همین میرزا ملکم‌خان است که نخستین لژ فراماسونری را در ایران تحت عنوان «فراموشخانه» به‌وجود آورد و در سفر دوم شاه در مسأله امتیاز لاتاری با گرفتن ۴۰ هزار لیره از کلنل «دوبوزیک» فرانسوی که مدیر قمارخانه «لت دوژور» بود و تقسیم آن بین شاه و اطرافیانش، «اسباب آن را فراهم آورد»[5] در این هنگام ملکم که تشکیلات «مجمع آدمیت» را از قبل فراهم آورده بود، با «ادوارد براون» مأمور مخفی انگلیس و «بلمنت» رئیس امور جاسوسی خاورمیانه رفاقتی به‌هم زد و منزل او محلی برای ملاقات عناصر بی‌اعتقاد و مشکوک ایرانی گردید.[6]

در همان ایام ملکم کوشید تا شعبه‌ای از فراماسونری را تحت نامی دیگر در ایران ایجاد کند که «مجمع آدمیت» نام گرفت.

اما باز هم تنها قشری که در مقابل این وطن‌فروشی تاریخی ایستاد، روحانیت و علما بود. حاج‌ملاعلی کنی از علمای بزرگ تهران و معروف به رئیس‌المجتهدین و از شاگردان «صاحب جواهر» در مقابل این قرارداد اعتراض کرد و همراه گروهی از علما به دشمنی با میرزا حسین‌خان سپهسالار برخاست و وی را بی‌دین خواند. نامه‌های متعدد به ناصرالدین‌شاه نوشت و لغو قرارداد ننگین رویتر را خواستار شد.[7]

احمد کسروی در جلد اول «تاریخ مشروطه ایران» می‌نویسد:

«... نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه نوشتند که سپهسالار را با خود به تهران نیاورد. این نامه در رشت به دست شاه رسید و چون ملایان در آن زمان بسیار نیرومند بودند، شاه ناگزیر شد حکمرانی گیلان را به سپهسالار بدهد. او را در آنجا گذاشت و خود، بی او به تهران آمد...»[8]

قرارداد رویتر به همت علما و روحانیت لغو شد و یک بار دیگر حضور روحانیون شجاع و آگاه در عرصه سیاسی ــ اجتماعی تاریخ معاصر ایران باعث شد تا کیان و عزت و همچنین منابع و منافع آن از گزند مطامع بیگانگان دور بماند.

محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه در کتاب «چهل سال تاریخ ایران» (المآثر و الآثار) از قول بنجامین اولین سفیر آمریکا در عهد ناصری در ایران، در کتاب «سفرنامه بنجامین»، درباره ملاعلی کنی می‌نویسد:«...حاج‌ملاعلی کنی مردی مسن، محترم، باوقار و هیبت است ولی به‌رغم مقام و موقعیت خود، زندگی مجلل و باشکوهی ندارد و خیلی ساده و معمولی به‌سر می‌برد. با آن‌که املاک و دارایی هم دارد معهذا درصدد نمایش دادن آنها نیست و در کمال سادگی زندگی می‌کند. موقعی که از منزل خارج می‌شود، فقط سوار یک قاطر سفیدرنگ می‌گردد و یک نفر نوکر همراه اوست ولی مردم وقتی از آمدن او مطلع می‌شوند از هر طرف نزد وی می‌آیند و مانند یک موجود فوق‌طبیعی از این روحانی استقبال می‌کنند. یک اشاره از طرف او کافی است که شاه را از تخت سلطنت به زیر آورد... سربازان گارد محافظ سفارت آمریکا در تهران به من می‌گفتند، با آن‌که از طرف شاه مامور حفاظت جان من و اعضای سفارت شده‌اند، اگر حاج‌ملاعلی کنی به آنها دستور دهد، بدون درنگ من و دیگر اعضای سفارت را خواهند کشت. خوشبختانه مردی که این همه قدرت و نفوذ کلام دارد، کسی است که خیلی رئوف، مهربان و ملایم است و هیچ‌وقت دستورات شدیدی صادر نمی‌کند...»[9]

۱- خاطرات سیاسی امین‌الدوله - ص ۲۲ تا ۳۴ و اعتمادالسلطنه - کتاب خلسه - ص ۸۶ و بامداد - رجال ایران - صفحه ۴۰۷ تا ۴۱۱ و فرهاد معتمد- سپهسالار اعظم- صفحه ۱۷

۲- مصطفی فاتح - پنجاه سال نفت ایران - صفحه ۲۴۵

۳ - Henry Rawlinson: England and Russia in the East. Reprint of 1875 ,Adamant Media Coorporation , ISBN 978-1-4021-9749-9,2005,

۴- انگلیسیان در ایران - دنیس رایت - ترجمه غلامحسین صدری‌افشار - صفحه ۱۰۱

۵- محمد خاتمی - فراماسونری - انتشارات کتاب صبح - چاپ اول، ۱۳۸۰

۶- همان

۷- روحا... حسینیان - چهارده قرن تلاش شیعه - صفحه‌های ۲۰۶ - ۲۵۱

۸- احمد کسروی - تاریخ مشروطه ایران - جلد ۱ - تهران - امیرکبیر - ۱۳۵۷ - صفحه ۱۰

۹- ایران و ایرانیان - ساموئل گرین ویلر بنجامین - صفحه ۴۹۹. برای مطالعه متن بیانیه‌های ملاعلی کنی به جلد اول کتاب «مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه» از محمد حسن رجبی، نشر نی مراجعه نمایید.